

نقش مغولان در انتقال فرهنگ شرق به غرب از طریق دنیای اسلام

دکتر زهره اسعدی^{۱*}، ناصر معماری^۱

چکیده

قوم مغول با حملات خود به مناطق مختلف، از جمله چین، ایران و شمال دریای خزر، باعث ویرانی بسیاری از شهرها و قتل‌عام مردم شد. در مناطقی که مقاومت مردم شدت بیشتری داشت، کشتار و تخریب بسیار شدید بود. اما پس از مدتی حکمرانان مغول با به کارگیری دیوان سالاران و افراد لایق، همچنین دانشمندان، عالمان، صنعت‌گران و هنرمندان، شروع به آباد کردن مناطق تحت حاکمیت خود کردند. در زمان حکومت مغولان در ایران روابط گسترده‌ی تجاری و سیاسی و فرهنگی بین ایران، چین، اروپا و کشورهای مسیحی وجود داشت و رفت و آمد غربی‌ها به شرق بیشتر شد. در نتیجه غربی‌ها که قبلاً از طریق اسپانیای اسلامی و همچنین جنگ‌های صلیبی، که در زمان مغول‌ها نیز ادامه داشت، با شرق آشنا شده بودند، توانستند فرهنگ و بسیاری از علوم را که در شرق وجود داشت و بسیار هم تکامل یافته بود، با خود به غرب ببرند و باعث ایجاد تحول در غرب شوند که از آن باعنوان رنسانس یاد می‌شود. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است که مغولان چگونه باعث انتقال فرهنگ شرق به غرب شدند؛ زیرا این انتقال در کنار سایر عوامل، تأثیر بسیار عمیقی در اروپا و دیگر مناطق برجای گذاشت.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مغولان، دنیای اسلام، شرق، غرب

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، گروه تاریخ، تهران، ایران

* مسئول مکاتبه: (z.asadi1034@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۸/۲۰

مقدمه

چنگیزخان با ساماندهی ارتش قدرتمند و منظم خود توانست شمال چین، جنوب سیبری، ایران و سرزمین‌های دیگر را به تصرف درآورد. مغولان تحت فرماندهی چنگیز مردم شهرها را غارت می‌کردند و از این طریق برای خود و افرادشان رفاه تأمین می‌نمودند. این قوم با حملات مهیب و ویرانگر خود باعث قتل و کشتار بسیاری شدند که در منابع تاریخی مانند *الکامل ابن اثیر، طبقات ناصری* منهای سراج جوزجانی، حتی *تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ* خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و غیره، به تفصیل در این خصوص سخن گفته شده است. اما پس از مدت کوتاهی فعالیت‌های بزرگان و دولتمردان چینی و ایرانی در دستگاه حکومتی چنگیز و فرزندانش آغاز شد و همین امر باعث بهبود وضعیت مردم در مناطق مختلف گردید. البته باید به این نکته توجه داشت که حملات مغول به قدری ویرانگر بود که با وجود تلاش گسترده‌ی این بزرگان باز هم آثار مخرب این حملات در مناطق مختلف به خصوص ایران اسلامی باقی ماند. اما نباید اقدامات گسترده‌ای را که در راستای بهبود این وضعیت انجام شد، نادیده گرفت. وجود بزرگان ایرانی مسلمان و غیر مسلمان در دستگاه حکومتی مغول باعث حفظ و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی و حتی انتقال آن به نقاط مختلف، مانند چین و اروپا شد. این امر باعث گسترش علوم مختلف در مناطق اسلامی از جمله مصر، افریقه (تونس امروزی)، اندلس (اسپانیا و پرتغال امروزی) و ایران و دیگر نقاط گردید. به این ترتیب در آن زمان، حکومت مغولان با ترکیب فرهنگ‌های مختلف و تبادل فکری و انتقال آن‌ها سهم بسزایی در پیدایش، گسترش و رشد فرهنگ دنیای غرب داشته است. با وجود روابط خصمانه بین مغولان و ممالیک و نیز با سایر کشورهای اسلامی، مناسبات فرهنگی و تجاری بین این مناطق صورت می‌گرفت و همین امر باعث گسترش فرهنگ و علوم مختلف شد و از طریق این کشورها به اروپا راه یافت.

نگارندگان در این پژوهش قصد دارند با استفاده از منابع و تحقیقات صورت گرفته، به بررسی این فرضیه بپردازند که مغولان یکی از عوامل مؤثر در انتقال فرهنگ غنی شرق به غرب بودند و در تحولات غرب نقش سازنده داشتند. در خصوص موضوع مقاله تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و در کتاب‌های مختلفی که محققان معاصر در خصوص حملات مغول و تأثیر و پیامدهای آن نوشته‌اند، فقط به آثار مخرب حملات این قوم در نقاط مختلف از جمله ایران و چین سخن گفته‌اند. با آن که تعدادی از نویسندگان نیز از روابط حکومت مغول با کشورهای مختلف، از جمله کشورهای اروپایی، اظهار نظر کرده‌اند، اما بیشتر به روابط سیاسی این حکام اشاره کرده و کمتر به موضوعات فرهنگی و حتی روابط تجاری

آن‌ها اشاره شده است. به همین دلیل مقاله‌ی حاضر می‌تواند در این زمینه به برخی مسائل دیگر بپردازد.

اوضاع فرهنگی ایران مقارن حمله‌ی مغول

در واقع از اوایل قرن پنجم هجری قمری، برای نخستین بار در خراسان مراکز برای تعلیم، به نام مدرسه ایجاد گردید؛ قدیمی‌ترین مدارسی که در کتاب‌های تاریخی به آن‌ها اشاره شده است، در نیشابور دایر گردید که مدارس بیهقیه، سعدیه و صابونیه از جمله‌ی آن‌هاست (عتبی، ۱۳۵۷: ۲۱۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۶۸-۲۶۹؛ بیهقی، ۱۳۴۸: ۲۰۷). خواجه نظام‌الملک (۴۰۸-۴۸۵ ه.ق) وزیر مشهور سلاجقه، با تأسیس مدارس «نظامیه» در بغداد، نیشابور، بلخ، هرات، بصره، اصفهان، آمل و طبرستان برای طلاب علوم و مدرسان و مستخدمان، حقوق در نظر گرفت. در مدارس نظامیه دارالشفاء، طبیب و دارو نیز وجود داشت (سبکی، بی تا: ۳/۱۳۷).

در این دوره، حمایت دولتمردان و حکام محلی از شعرا و نویسندگان، سبب افزایش تعداد آن‌ها گردید. زیرا بسیاری از این حکومت‌ها و یا خاندان‌های بزرگ و امرا برای مشروعیت خود می‌کوشیدند که ادبا، فضلا، نویسندگان و شعرا را در دستگاه خود گردآورند تا بتوانند با حمایت از آنان پایگاه فرهنگی و مردمی خود را مستحکم نمایند. همین امر خود باعث تشویق مردم به تحصیل علم و ادب و فراگیری هنر شاعری می‌شد. با تلاش حکومت‌هایی چون سامانیان، غزنویان و سلجوقیان، زبان و ادب فارسی به اوج اعتلای خود رسید و از دورترین نقطه‌ی ماوراءالنهر تا سواحل دریای مدیترانه، و از کناره‌های دجله تا آن سوی رود سند و ناحیه‌ی پنجاب را تحت سیطره و نفوذ خود درآورد. کتاب‌های علمی با کوشش عالمان، دانشمندان و متکلمانی چون ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق)، ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ه.ق) و امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق) به زبان‌های فارسی و عربی تألیف گردید. در واقع در نتیجه‌ی تلاش این بزرگان نهضت علمی که از قرن سوم هجری قمری آغاز شده بود، به سرعت به حرکت خود ادامه داد.

با آن که برخی از محققان معتقدند علوم در ایران اسلامی و سایر کشورهای مسلمان بیشتر علوم دینی و کلامی بود نه علوم عقلی (صفا، ۲۵۳۶: ۱۲۸)، ولی می‌توان با مراجعه به بسیاری از کتاب‌ها نام بسیاری از دانشمندان و بزرگان اسلامی را یافت که در بسیاری از علوم عقلی، مانند ریاضیات، نجوم، مثلثات، پزشکی و غیره، نیز تبحر داشتند و آثار آن‌ها در غرب ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. به‌طور مثال، می‌توان به دانشمندان بزرگی چون ابوریحان

بیرونی، غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۳۹-۵۲۶ ه.ق)، امام فخرالدین رازی (۵۴۴-۶۰۶ ه.ق)، سید اسماعیل بن حسن احمدالحسینی یا اسماعیل جرجانی (۴۳۵-۵۳۱ ه.ق)، از مشهورترین پزشکان اوایل قرن ششم هجری قمری که به هنگام سلطنت قطب‌الدین محمد خوارزمشاه (۴۹۱-۵۲۱ ه.ق) می‌زیست و کتاب جامع پزشکی خود را به نام همین سلطان ذخیره‌ی خوارزمشاهی نامید، و محمد بن منصور جرجانی (میرانی، ۱۳۴۷: ۴۹۰-۵۲۲) و بسیاری از دانشمندان ایرانی و مسلمان که ذکر نام آن‌ها در این مقاله امکان ندارد، اشاره کرد.

قبل از حمله‌ی مغول به ایران، مورخان و جغرافی‌دانان و جهان‌گردان، درباره‌ی ایران و سرزمین‌های اسلامی دیگر گزارش‌هایی داده‌اند که گاه اعجاب‌انگیز می‌باشد و نشانگر وسعت تمدن و غنای فرهنگی این سرزمین است. یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ ه.ق) در *معجم‌البلدان* بیان می‌کند، چون مرو را همزمان با حمله‌ی مغول ترک می‌کرد، ده کتابخانه از کتب موقوفه در آن وجود داشت که در دنیا از نظر تعداد و نفیس بودن کتاب‌ها بی‌نظیر بودند (یاقوت حموی، ۱۹۷۹: ۳۳۰/۵). میرخواند در *روضه‌الصفا* می‌نویسد: «بلخ در آبادی به درجه‌ای رسیده بود که در شهر و روستای آن هزار و دویست موضع، نماز جمعه می‌گزاردند. هزار و دویست حمام کدخدا پسند در آن نواحی بود» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۳۴-۳۵/۵). همچنین واعظ بلخی در خصوص این شهر از کوی‌های پرجمعیت و کاروان‌های تجارتنی که از کشورهای مختلف به این شهر وارد می‌شدند و وسعت و رونق این شهر را بیان می‌کند (واعظ بلخی، ۱۳۵۰: ۴۴). به قول یکی از محققان، «ساختمانی که یعقوب لیث پی‌آن را ریخت و سامانیان آن را به کمال ممکن رساندند... نظم و نسقی که وزیران بزرگی چون: جیهانی، بلعمی (متوفای سال ۳۶۳ ه.ق)، اسفراینی (متوفای ۴۰۴ ه.ق) و خواجه نظام‌الملک برقرار ساخته بودند، هنوز کروفری داشت» (دستغیب، ۱۳۶۷: ۳۱۳).

اوضاع فرهنگی ایران در دوره‌ی مغول و ایلخانی

حمله‌ی چنگیز برای تمدن و فرهنگ ایران و جهان اسلام، پیامدهای شومی داشت. آبادی‌ها ویران و شهرها خراب گردید. کتابخانه‌ها و آثار معماری و هنری ویران و خزائن غارت شد. دانشمندان، رزم‌آوران، پیشه‌وران و هنرمندان به سرزمین اصلی مغول‌ها تبعید شدند و بسیاری از مردم به قتل رسیدند. یک نمونه‌ی آن شهر نیشابور است که قرن‌ها مرکز خراسان بود و مدارس، مساجد و کتابخانه‌های متعدد و جمعیت بسیاری داشت. بعضی از مدارس این شهر، مانند صابونیه و بیهقیه از قرن چهارم هجری قمری تأسیس شده بودند و در

کتابخانه‌های آن‌ها نیز نسخه‌های نفیس و کمیابی وجود داشت. این شهر به دلیل شورش و مقاومت علیه حاکمیت مغول چندین بار مورد حمله قرار گرفت و ویران گشت (جوینی، ۱۳۷۵: ۱/۱۱۵). به این ترتیب، برخی از شهرهای آباد ایران که عروس شهرهای آسیا بودند، یکی پس از دیگری به دست قوم مغول به غارت رفتند و ویران گردیدند.

پس از چنگیزخان، اوگتای فرزند سوم وی با انعطاف سیاسی، در شیوه سابق جهاننداری مغول تجدید نظر نمود و باعث شد تا فرمانروایان و حکام ولایات از مغولان اطاعت کنند. وی با تعیین باج و خراج و مالیات، مقدمات استقرار و تحکیم حاکمیت مغول را فراهم ساخت و از سیاست خشن فرماندهان و امرای خودسر نسبت به ملل تابع، کاست. استقرار نماینده‌ی مغول در طوس و تأسیس شبکه‌ی حمل و نقل و پذیرش حکام ایرانی تابع در دربار قآن، و به ویژه استفاده از عنصر ایرانی در امور دیوانی، از مظاهر شاخص این تغییر و تحول بود.

اگتای در زمان حکومت خود، سیاست تساهل دینی را در پیش گرفت و فرمان‌هایی در زمینه آزادی انجام گرفتن فرایض دینی صادر کرد. از جمله به مسلمانان اجازه‌ی ساختن مساجد، مدارس و ابنیه داد و صدها هزار دینار سرخ و دو هزار جام برای روحانیان ارسال کرد. بدین ترتیب با بازسازی مراکز فرهنگی و تدریس مجدد مدرسان و عالمان در این مراکز، فرهنگ ایرانی دوباره رونق گرفت و از نابودی نجات یافت. بنا به نوشته‌ی رشیدالدین، «...قآن فرمان داد تا مسلمانان را به لفظ یار و برادر یاد کنند؛ مغولان را فرمان داد تا دختران را به مسلمانان دهند» (همدانی، ۱۳۶۲: ۲/۱۵۱). این روند تا حکومت منگو قآن بسیار کند در جریان بود؛ اما در زمان وی دوباره حکام ایرانی در نقاط مختلف شروع به بازسازی اقتصادی و فرهنگی ایران کردند. از زمان حکومت هولاکو در ایران، مغولان فاتح، رفته رفته، با مردم نجیب و با فرهنگ ایران زمین، انس و الفت گرفتند.

فاتحان برای اداره‌ی بهتر ایران ناچار شدند از دبیران و مستوفیانی چون خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۸-۶۷۲ ه.ق)، برادران جوینی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸-۷۱۷ ه.ق) و سایر دولتمردان ایرانی کمک بگیرند. وجود این صاحب منصبان ایرانی که اغلب آن‌ها دانشمند و فرهیخته بودند، برای مردم ستمدیده‌ی ایرانی به منزله‌ی فرج بعد از شدت بود. این مردان بزرگ به تدریج توانستند مغولان را با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنا و در نتیجه از شدت تخریب در سایر مناطق کم کنند. آن‌ها موفق شدند مناطق بسیاری از ایران را دوباره بازسازی نمایند. بیانی، در خصوص این دوره می‌نویسد: «بیگانگان با شمشیر، سلطه‌ی خویش را مسلم ساخته و اینک با همان حربه درصدد حفظ و استحکام آن بودند و خودی‌ها با قلم به جنگ شمشیر رفته و درصدد بازآفرینی نقش‌های گذشته بودند. از این روست که فرمانروایی

و فرماندهی در دست مغولان و وزارت و دیوان در اختیار ایرانیان قرار می‌گیرد و دیوانیان می‌کوشند تا در بطن حکومت و اندرون دستگاه رسوخ کنند و خواسته‌های خویش را عملی سازند و چون اداره ملک از مغولان ساخته نیست، به زودی عنصر ایرانی توفیق می‌یابد که در گرداندگی امور شرکت جوید و این بار اوست که جنگ نهایی را با بیگانه آغاز می‌کند» (بیانی، ۱۳۷۵: ۳/۱۱).

با تمام مشکلاتی که ایرانی‌ها در زمان حمله‌ی مغول و حکومت آن‌ها بر ایران داشتند، توانستند با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود فرهنگ ایران را نجات بخشند و آن را گسترش دهند. خواجه نصیرالدین طوسی موفق گردید موافقت هولاکو و آباقاخان را برای ساختن رصدخانه‌ی مراغه و کتابخانه‌ی بزرگ آن به‌دست آورد. وی در این مرکز بزرگ علمی، دانشمندان و عالمان بزرگ را از نقاط مختلف اسلامی و حتی غرب گردآورد (شیرازی، ۱۳۳۸: ۵۱-۱/۵۲؛ بیانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰) و این دانشمندان توانستند زیر نظر خواجه آثار مختلف علمی تألیف کنند و به رصد اجرام سماوی بپردازند. خواجه، در حمله‌ی مغولان به بغداد، تعداد بسیاری از کتاب‌ها را از نابودی نجات داد و به عنوان غنیمت به کتابخانه‌ی خود افزود. این کتاب‌ها در زمینه‌های مختلف، مانند ریاضیات، هندسه، موسیقی، پزشکی و دیگر علوم بود که مورد استفاده‌ی بزرگان مسلمان قرار گرفت. وی زیچ ایلخانی را در رصدخانه‌ی مراغه تشکیل داد. اکثر کتاب‌هایی که وی تألیف کرد، در زمینه‌ی اسطرلاب، رصد، ریاضیات، نجوم و غیره، به فارسی است و چندین اسباب رصد اختراع نمود. بسیاری از کتاب‌های وی، از جمله زیچ ایلخانی، بارها به لاتین، انگلیسی و فرانسه ترجمه شد. از همکاران وی در این رصدخانه می‌توان به قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی (۶۳۳-۷۱۰ ه.ق) ریاضی‌دان، منجم و طبیعی‌دان بزرگ، نویسنده‌ی کتاب *نهایة الادراک فی درایة الافلاک*، که کتابی در نجوم است، و کتاب‌های بسیاری در زمینه‌ی حکمت، تصوف، علم حدیث و طب، و شمس‌الدین محمد بن اشرف‌الحسینی‌السمرقندی (متوفای ۷۲۲ ه.ق) اشاره کرد (میرانی، همان: ۵۲۷ و ۵۳۰).

خواجه شمس‌الدین محمد جوینی وزیر بزرگ ایلخانان در مدت ۳۰ سال وزارت خود به همراه برادرش عطاملک، مدارس، بیمارستان‌ها و کتابخانه‌های بسیاری در نقاط مختلف ایران، عراق و آسیای صغیر تأسیس کردند (شیرازی، همان: ۱/۷۷؛ همدانی، همان: ۳/۱۴۷). علما و دانشمندان تحت حمایت این برادران از نقاط مختلف در بغداد و سایر شهرهای اسلامی فعالیت‌های علمی خود را انجام دادند و باعث پیشرفت علوم و فرهنگ ایرانی - اسلامی شدند.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی یکی دیگر از صاحب‌منصبان ایرانی مسلمان است که تلاش بسیاری برای ارتقای فرهنگ و تمدن و آبادانی ایران اسلامی کرد. وی در دوران ایلخانی، علاوه بر آن که طبیب ایلخانان مختلف از جمله آباقا، ارغون و گیخاتو بود، مناصب مختلف دیوانی را نیز برعهده داشت؛ تا این که به منصب وزارت رسید. در سفرهای خود به نقاط مختلف، اطلاعات بسیار با ارزشی گردآوری نمود که در کتاب‌های خود از آن‌ها یاد می‌کند. وی با عالمان و دانشمندان زیادی در نقاط مختلف، مثل آسیای صغیر، اندلس، شمال افریقا و غیره در ارتباط بود که کتاب‌های مختلفی به نام وی در زمینه‌های مختلف می‌نوشتند. در مکاتبات رشیدی نام تمام آن‌ها به همراه هدایایی که برای ایشان فرستاده شده، آمده است (همدانی، ۱۳۶۴: ۲۴۷). روابط مسالمت‌آمیزی که در دوران این سیاستمدار بزرگ با سایر کشورها برقرار شد، باعث پیشرفت فرهنگی و در نتیجه انتقال آن به شرق و غرب گردید (حیبی، ۱۳۵۰: ۹۷-۹۸). یکی از اقدامات مهم وی تأسیس ربع رشیدی است که از آن به عنوان یک شهر کوچک علمی و فرهنگی یاد می‌شود؛ جایی که رشیدالدین، عالمان و دانشمندان مختلف را گردآورد و آن‌ها را به نوشتن کتاب‌های مختلف علمی و آموزش علوم به طلاب تشویق نمود. نویسندگان متعددی در خصوص ربع رشیدی سخن گفته‌اند و این اثر بزرگ را ستوده‌اند. خواجه خود نیز در مکاتبات از این اثر بزرگ یاد می‌کند و تمام مؤسسات و ساختمان‌های عام‌المنفعه را که در آنجا ساخته، نام می‌برد و تعداد دانشمندان، طبیبان و صنعت‌گران و دانشجویان را ذکر می‌کند (همدانی، ۱۳۶۴: ۳۱۷-۳۲۱). اما متأسفانه امروزه فقط خرابه‌های آن برجای مانده است.

یکی دیگر از اقدامات مهم وی، معرفی آثار علمی چینی‌ها و هندی‌ها به ایرانیان، مسلمانان سایر مناطق و غربی‌ها بود. در واقع می‌توان گفت، رشیدالدین باعث انتقال افکار و علوم بسیاری از دانشمندان اسلامی و شرقی، از جمله خواجه نصیر و پیروانش مانند قطب‌الدین شیرازی، به اروپا از طریق اندلس و صقلیه بوده است؛ زیرا بسیاری از دانشمندان بیزانسی را در ربع رشیدی در تبریز گردآورده بود (نصر، ۱۳۵۰: ۳۳۰-۳۳۱). ساختن مراکز علمی فقط در تبریز و ربع رشیدی نبود، بلکه با توجه به مکاتبات وی، می‌توان دریافت که او در شهرهای مختلف ایران و آسیای صغیر و عراق، مراکز مهم فرهنگی ساخت و برای تمام آن‌ها موقوفاتی قرار داد، تا از نظر مالی دچار مشکل نشوند، حتی مأمورانی را برای نظارت دقیق بر اجرای دستورات خود به این مناطق اعزام می‌کرد و اگر در این مراکز مشکلی به وجود می‌آمد، بلافاصله مسئولان این مراکز و حکام را مورد بازخواست قرار می‌داد تا به امور فرهنگی توجه نمایند. نمونه‌ی بارز این امر را می‌توان در مکتوب ۲۸ از مکاتبات رشیدی در

خصوص دارالسیاده ی غازی در سیواس مشاهده نمود (همدانی، ۱۳۶۴: ۱۵۶-۱۶۰). رشیدالدین خود یکی از بزرگان علم به‌شمار می‌رود. کتاب‌های وی در زمینه‌های مختلف تاریخی، کشاورزی، اقتصاد، طب، حکمت، کلام و دیگر علوم بوده است که برخی به دست ما رسیده و نام برخی از آن‌ها را می‌توان در کتاب‌های تاریخی دیگر که مورخان از آن‌ها استفاده کرده‌اند، مشاهده کرد (یوسفی، ۱۳۵۰: ۲۹۰-۲۹۱).

یکی دیگر از راه‌های انتقال فرهنگ ایرانی - اسلامی و فرهنگ شرق به غرب در دوره ی ایلخانان را باید روابط سیاسی و تجاری آن‌ها با اروپا و غرب دانست. در این دوره جنگ‌های صلیبی بین دنیای مسیحیت و کشورهای مسلمان در جریان بود و چون ممالیک توانستند مانع پیشروی صلیبی‌ها به داخل کشورهای اسلامی شوند، غربیان به فکر برقراری روابط با ایلخانان افتادند تا از طریق مغولان، ممالیک و مسلمانان را در مناطق مختلف شکست دهند. صلیبیان در واقع امیدوار بودند که مغول‌ها ارض مقدس را از مسلمانان بگیرند و به آن‌ها تحویل دهند (گروسه، ۱۳۵۲: ۵۸۸). زمانی که هولاکو موفق شد قسمت‌هایی از شامات را فتح کند، بعضی از نقاط مانند انطاکیه را که در زمان صلاح‌الدین ایوبی مسلمانان از مسیحیان پس گرفته بودند، به بوهموند بازگرداند (همان: ۵۹۱). اما شکست هولاکو در عین جالوت (۶۵۸ ه.ق) و قدرت‌گیری بیبرس حاکم مملوک مصر، باعث دلسردی اروپا و پاپ شد و زمانی که هولاکو درخواست اتحاد با آن‌ها کرد، جز ابراز خشنودی پاپ در این زمینه چیز دیگری عاید وی نشد.

این روابط در زمان اباقا و سایر ایلخانان نیز ادامه پیدا کرد (جوادی، ۱۳۷۸: ۸۴-۸۵). در نتیجه‌ی رفت و آمد سفرا و هیئت‌های دینی و سیاسی به ایران و غرب، نفوذ فرهنگی اروپا و اسلام در هر دو منطقه افزایش یافت. حضور این سفرا و سیاحان در ایران و سایر مناطق، باعث آشنایی آن‌ها با علوم جدید و طرز زندگی و فرهنگ مردم در این مناطق شد و آن‌ها مشاهدات خود را در سفرنامه‌های مختلف به‌چاپ رساندند (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۳۳ و ۴۴؛ پلان کارپن، ۱۳۶۳: ۲۲). همین امر باعث آشنایی مردم اروپا با علوم جدید و نحوه‌ی زندگی مسلمانان و همچنین شرقی‌ها شد. از جمله‌ی این سیاحان می‌توان به پلان کارپن، گیوم دوروبروکی و مارکوپولو و دیگران اشاره کرد. غیر از روابط سیاسی که ایلخانان با اروپا برقرار کردند، روابط تجاری که در زمان مغول و ایلخانان با اروپا و سایر مناطق برقرار شد، باعث تسریع در انتقال فرهنگ اسلامی و شرقی به غرب و اروپا شد.

مغولان به تجارت اهمیت زیادی می‌دادند. آنان با تجار مسلمانی که از منطقه‌ی آن‌ها عبور می‌کردند، در ارتباط بودند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۴۰). اولین روابط بین ایران و چنگیزخان، روابط

تجاری بود (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲/۱۰۲) و به احتمال بسیار زیاد به دست آوردن مناطق تجاری به خصوص دستیابی بر راه‌های زمینی و دریایی تجاری یکی از مهم‌ترین دلایل چنگیز برای حمله به ایران بوده است و بقیه‌ی دلایل، بیشتر بهانه‌ای بیش نبود. حضور تجار بزرگ اعم از مسلمان و غیر مسلمان به عنوان مشاور در کنار وی و اهمیت دادن به امنیت راه‌های تجاری، نشان از اهمیت دادن وی به تجارت دارد (ابن‌عبری، ۱۳۶۴: ۳۰۱-۳۰۲). این امر در زمان فرزندان نیز ادامه یافت و حتی تجار در زمان ایلخانان نیز به‌عنوان سفیر به کشورهای اروپایی اعزام شدند (جوادی، همان: ۹۴).

کاروان‌های تجاری از نقاط مختلف، مانند مصر، اروپا و دیگر جاها، به ایران و از آنجا به چین و بالعکس در حرکت بودند. این تجار خود باعث انتقال فرهنگ از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر می‌شدند. در کاروان بعضی از آن‌ها کتاب‌های مختلف وجود داشت که به غرب می‌رفت و به لاتین ترجمه می‌شد. تجار ونیزی و ژنی (جنوایی) که این کتاب‌ها را با خود به اروپا بردند، باعث تحول در این امر شدند. این تجار با خود فرهنگ اسلامی و شرقی را به اروپا انتقال می‌دادند. یکی از این تجار بزرگ را می‌توان برادران پولو نامید که عازم دربار قوبیلائی قآن شدند و حتی مارکوپولو به‌عنوان سفیر قآن به ایران نیز سفر کرد (پولو، همان: ۳۶-۵۷) و بسیاری از دیده‌های خود را در خصوص دستاوردهای چینی‌ها و مسلمانان به اروپاییان بیان نمود. ایران در واقع مرکزی برای تجار ونیزی بود که به شرق سفر می‌کردند. مارکوپولو نیز این موضوع را در سفرنامه‌ی خود بیان کرده است (همان، ۴۱-۴۴).

خواجهرشیدالدین نیز در خصوص حضور این تجار در تبریز و توجه غازان به آن‌ها سخن گفته است (همدانی، همان: ۲/۹۹۶). در واقع بسیاری از محققان معتقدند، علم و فرهنگ اروپاییان مرهون نبوغ و خدمات و کتاب‌های دانشمندان ایرانی و مسلمان بوده است. حتی قبل از قرن سیزدهم میلادی، اروپاییان از دانش، ادبیات و کتاب‌های چین، ژاپن و هندوستان نیز اطلاعات بسیاری داشتند (میرانی، همان: ۳۶۱). بسیاری از علوم و فنون توسط تجار مسلمان در زمان مغول‌ها از چین و هندوستان به ایران، و از آنجا به سایر نقاط، از جمله اروپا، وارد شد. یکی از صنایعی که می‌توان در بین بسیاری از صنایع نام برد، صنعت باروت‌سازی بود که از چین و به وسیله‌ی مغول‌ها وارد کشورهای اسلامی شد و از آنجا به اروپا راه یافت. حتی ممالیک در جنگ‌های خود علیه مسیحیان، از آن استفاده می‌کردند؛ اما راجر بیکن اولین اروپایی به‌شمار می‌آید که از باروت نام برده است (جرالد، ۱۳۶۷: ۳۰۸؛ دورانت، ۱۳۷۶: ۱/۸۴۶).

البته اروپایی‌ها از قرن ۱۱ میلادی به بعد با بسیاری از آثار مسلمانان آشنا شدند؛ اما ترجمه‌ی کتاب‌ها و آشنایی گسترده‌ی آن‌ها با مسلمانان و سایر مناطق، در اثر روابط سیاسی و تجاری گسترده‌ای بود که در دوره‌ی مغول و ایلخانی صورت گرفت. با تحقیق در منابع دوران مغول و ایلخانی می‌توان به تعداد بسیاری از دانشمندان و علما برخورد کرد که با آثار ارزنده‌ی خود باعث تحول در فرهنگ و زندگی مسلمانان و همچنین غربی‌ها شدند. از جمله می‌توان به تعدادی از آن‌ها که در زمینه‌های مختلف علمی فعالیت داشتند و مورد حمایت بزرگان ایرانی و مسلمان در سراسر جهان اسلام بودند، اشاره کرد. فضل بن عمر ابهری، ملقب به اثیرالدین، متوفی در حدود سال ۶۶۲ ه.ق/۱۲۶۳ م، مؤلف کتاب *هدایت/الحکمه* است. ابهری تألیفاتی در نجوم دارد. کمال الدین ابوالحسن فارسی، متوفای سال ۷۲۰ ه.ق، شارح کتاب *المناظر ابن هیثم*، به نام کتاب *تنقیح المناظر* در دو جلد، که ضمن تصاویری جالب، از مبحث نور به تفصیل بحث می‌کند و در انعکاس و انکسار نور بر سطح کره و قوس و قزح و مطالب فیزیکی مباحث جالبی در بر دارد (میرانی، همان: ۵۲۳-۵۲۴). ترجمه‌ی کتاب‌های پزشکی و داروسازی، مانند کتاب‌های ابن‌البیطار، داروساز متوفی در سال ۶۴ ه.ق، و ابن‌الخطیب (۷۱۱-۷۸۲ ه.ق)، در توسعه‌ی علم پزشکی اسلامی در اروپا سهم شایسته‌ای داشت. ابن‌البیطار کتابی در گیاه‌شناسی تألیف نمود که در آن ۱۴۰۰ گیاه دارویی را معرفی نمود. انتقال بسیاری از دستاوردهای چینی‌ها از طریق دنیای اسلام به غرب، نظیر کاغذ، چاپ، قطب‌نما، باروت و غیره، باعث تحولات بسیاری در اروپا و غرب شد. همچنین، تحقیقات جغرافیایی مسلمانان موجبات اکتشافات جغرافیایی اروپاییان را فراهم کرد. در این رشته بسیاری از کتاب‌های دنیای شرق، مخصوصاً کتاب‌های ابن‌حوقل، ابن‌بطوطه، یاقوت حموی و دیگر کسان، مورد توجه قرار گرفت (عزتی، بی‌تا: ۱۶).

نتیجه‌گیری

حکومت مغول و ایلخانی، برخلاف آنچه برخی از مورخان و بسیاری از محققان بیان کرده‌اند، فقط باعث ویرانی و از بین رفتن فرهنگ و تمدن نشد، بلکه مغولان با به کارگیری بسیاری از بزرگان و صاحب‌منصبان مسلمان و غیرمسلمان، باعث رشد و پیشرفت فرهنگ گردید. آن‌ها از طریق ایجاد حکومتی یکپارچه و برقراری امنیت در بسیاری از راه‌های تجاری و ایجاد روابط سیاسی و تجاری، باعث انتقال فرهنگ شرق و کشورهای مسلمان به غرب شدند. بسیاری از اروپاییان در زمان حکومت مغولان در مناطق مختلف به مسافرت در شرق و کشورهای اسلامی پرداختند و همین امر باعث شد تا دیده‌های خود را به غرب منتقل کنند و موجب

شگفتی اروپاییان شوند. در واقع، پیشرفت مسلمانان و فرهنگ و تمدن عالی آن‌ها، اروپاییان را به فکر تجدید نظر در امور خود انداخت و همین امر باعث تحول در اروپا شد. دستاوردهای مسلمانان و سایر اقوام در شرق به یمن وجود راه‌های امن و تجارت گسترده، به غرب راه یافت و موجب تلفیق فرهنگ‌ها و در نتیجه تحول غرب گردید. بنابراین، در این تحول مهم نباید نقش مغولان را نادیده گرفت و با غرض‌ورزی بر نقش آن‌ها در این زمینه قلم بطلان کشید.

کتابنامه

۱. ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج بن اهرن. ۱۳۶۴، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲. السبکی، عبدالوهاب بن علی. [بی تا]، *الطبقات الشافعیة الکبری*، ج ۳، مصر، دارالحیاء الکتب العربیه.
۳. بارتولد، و.و. ۱۳۷۶، *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه‌ی غفار حسینی، تهران، انتشارات طوس.
۴. بیانی، شیرین. ۱۳۷۵، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵. _____ . ۱۳۸۷، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران، سمت، چ ۶.
۶. بیهقی، علی بن زید. ۱۳۴۸، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، کتابفروشی فروغی.
۷. پولو، مارکو. ۱۳۶۳، *سفرنامه*، ترجمه‌ی سید منصور سید سجادی، تهران، انتشارات گویش.
۸. جرالد، فیتز. ۱۳۶۷، *تاریخ فرهنگ چین*، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. جرفادقانی، ناصر بن ظفر. ۱۳۵۷، *ترجمه‌ی تاریخ یمینی*، نوشته‌ی محمد بن عبدالجبار عتبی، تصحیح جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. جوادی، حسن. ۱۳۷۸، *ایران از دید سیاحان اروپایی (از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه)*، تهران، نشر بوته.
۱۱. جوزجانی، منهای سراج. ۱۳۶۳، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۲، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۱۲. جوینی، عطاملک بن محمد بهاء‌الدین. ۱۳۷۵، *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۱، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. ۱۳۷۵، *تاریخ نیشابور*، ترجمه‌ی احمد بن محمد خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه.
۱۴. حبیبی، عبدالحی. ۱۳۵۰، *روزگار و آثار و شخصیت نیکوکار رشیدالدین وزیر*، مجموعه‌ی خطابه‌های تحقیقی درباره‌ی رشیدالدین فضل‌الله همدانی (کنگره‌ی بزرگداشت رشیدالدین از ۱۱ تا ۱۶ آبان ۱۳۴۸ در دانشگاه‌های تبریز و تهران)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۶۷، *هجوم اردوی مغول به ایران*، تهران، نشر علم.

۱۶. دورانت، ویل. ۱۳۷۶، *تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن)*، ترجمه‌ی احمد آرام و ع. پاشایی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵.
۱۷. شیرازی، عبدالله. ۱۳۳۸، *ترجیة الامصار و تجزیة الاعصار (تاریخ و صاف)*، ج ۱، تهران، انتشارات رشدیه.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله. ۲۵۳۶، *خلاصه‌ی تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران (مجموعه مقالات دکتر ذبیح‌الله صفا)*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۹. عزتی، ابوالفضل. [بی تا]، *نفوذ اسلام در اروپا در قرون وسطی*، قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
۲۰. کارپن، پلان. ۱۳۶۳، *سفرنامه*، ترجمه‌ی ولی الله شایان، تهران، انتشارات یساولی.
۲۱. گروسه، رنه. ۱۳۵۲، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه‌ی عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. میرانی، صدرالدین. ۱۳۴۷، *زندگی و تمدن در قرون وسطی و نقش ایران در علوم مغرب زمین*، تهران، انتشارات اقبال.
۲۳. میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خواند شاه. ۱۳۳۹، *تاریخ روضة الصفا*، ج ۵، تهران، خیام.
۲۴. نصر، سید حسین. ۱۳۵۰، *مقام رشیدالدین فضل الله در تاریخ فلسفه و علوم اسلامی (مجموعه‌ی خطابه‌های تحقیقی درباره‌ی رشیدالدین فضل الله همدانی)*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۵. واعظ بلخی، صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر بن داود. ۱۳۵۰، *فضایل بلخ*، ترجمه‌ی محمد بن محمد حسینی بلخی، تصحیح و تحشیه‌ی عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۶. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۶۲، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، تهران، انتشارات اقبال، چ ۲.
۲۷. _____ . ۱۳۶۴ ه.ق / ۱۹۴۵ م، *مکاتبات رشیدی*، گردآوری محمد ابرقوهی، تصحیح محمد شفیق، پنجاب، ایجو کیشنل پریس.
۲۸. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله. ۱۹۷۹ م، *معجم البلدان*، جزء خامس، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۹. یوسفی، غلامحسین. ۱۳۵۰، *انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشیدالدین فضل الله (مجموعه‌ی خطابه‌های تحقیقی درباره‌ی رشیدالدین فضل الله همدانی)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.